



The Role of Religious Councils (Hey'at) in Ensuring Urban Security and Social Cohesion

Morteza Nesari

* PhD in Strategic Cultural Management, National Defense University, Tehran, Iran.

nesari.morteza@gmail.com

Seyyed-Reza Hosseini

Assistant Professor, National Defense University, Tehran, Iran.

naseh_rahehagh@yahoo.com

Mehdi Nazemi-Ardakani

Associate Professor, Imam Hussein University, Tehran, Iran.

mnazemi32@yahoo.com

Rahim Hossein-Abforush

PhD Student in Cultural Policy, Bagher-ol-Ulum University, Qom, Iran.

qoqnoos2@gmail.com

Yousef Hossein-Nejad-Khaki

PhD in Cultural Policy, National Defense University, Tehran, Iran.

modiriyat@sndu.ac.ir

Received: 2025/05/07

Accepted: 2025/08/23

DOI:

10.22034/jpcs.2025.1283150.1399



ABSTRACT

In the current era, ensuring urban security has changed into a complex challenge in social management which requires citizen participation and social capital beyond hardware approaches. This study aims to examine the role of religious councils in strengthening social cohesion and public security using Putnam's theoretical framework of social capital and a qualitative corpus-based method. Data were collected through interviews with 35 council members, the clergy, and law enforcement officials, participant observation, and document analysis. The findings indicate that religious councils can perform as the "cultural police" through collective rituals, the production of resistance discourse, and the creation of trust networks and contribute to reducing crime and increasing the psychological security of society. Furthermore, integrating the cultural functions of the councils with the security system can form a local model of sustainable security with public participation. In this model, given Iran's Shiite identity, a balance between preserving Islamic identity and flexibility in cultural changes becomes necessary. Of course, challenges such as individualism, the influence of Western lifestyles, and weak interaction with security institutions limit the effectiveness of these institutions. In this regard, strategies such as training clergy in communication skills, designing joint campaigns with the police, and using modern arts to attract young people can be helpful.

Keywords: Religious councils, social capital, urban security, social cohesion.

► **Citation (Vancouver):** Nesari M, Hosseini R, Nazemi-Ardakani M, Hossein-Abforush R, Hossein-Nejad-Khaki Y, The Role of Religious Councils (Hey'at) in Ensuring Urban Security and Social Cohesion. *Police Cultural Studies*, 2025; 12(2): 59-74.

► **Citation (APA):** Nesari, M., Hosseini, R., Nazemi-Ardakani, M., Hossein-Abforush, R., Hossein-Nejad-Khaki, Y., (2025) The Role of Religious Councils (Hey'at) in Ensuring Urban Security and Social Cohesion. *Police Cultural Studies*, 12(2), 59-74.

نقش هیأت‌های مذهبی در تأمین امنیت شهری و انسجام اجتماعی

چکیده

در عصر حاضر، تأمین امنیت شهری به چالشی پیچیده در مدیریت اجتماعی تبدیل شده است که فراتر از رویکردهای سخت‌افزاری، نیازمند مشارکت شهروندی و سرمایه اجتماعی است. در این پژوهش، باهدف بررسی نقش هیأت‌های مذهبی در تقویت انسجام اجتماعی و امنیت عمومی، از چارچوب نظری سرمایه اجتماعی پاتنام و روش کیفی داده بنیاد استفاده شده است. داده‌ها، از طریق مصاحبه با ۳۵ نفر از اعضای هیئت‌ها، روحانیون و مسئولان انتظامی، مشاهده مشارکتی و تحلیل اسناد جمع‌آوری شدند. یافته‌ها نشان می‌دهد که هیأت‌های مذهبی از طریق آیین‌های جمعی، تولید گفتمان مقاومتی و ایجاد شبکه‌های اعتماد، می‌توانند به «پلیس فرهنگی» تبدیل شده و در کاهش جرائم و افزایش امنیت روانی جامعه مشارکت کنند. همچنین، تلفیق کارکردهای فرهنگی هیئت‌ها با نظام امنیتی می‌تواند الگوی بومی امنیت پایدار را با مشارکت مردمی شکل دهد. در این الگو، با توجه به هویت شیعی ایران، تعادل میان حفظ هویت اسلامی و انعطاف در برابر تحولات فرهنگی ضرورت پیدا می‌کند. البته، چالش‌هایی مانند فردگرایی، نفوذ سبک زندگی غربی و ضعف تعامل با نهادهای امنیتی، تأثیرگذاری این نهادها را محدود می‌کند. در این راستا، راهبردهایی مانند آموزش مهارت‌های ارتباطی به روحانیون، طراحی پوی‌های مشترک با پلیس و استفاده از هنرهای نوین برای جذب جوانان، می‌تواند کمک‌کننده باشند.

کلیدواژه‌ها: اتباع افغانستان، امنیت ملی، ایران، مهاجرت، امنیت سیاسی، امنیت اقتصادی، امنیت فرهنگی.

مرتضی نثاری

دکتری مدیریت راهبردی فرهنگی،
دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران
(نویسنده مسئول).

nesari.morteza@gmail.com

سیدرضا حسینی

استادیار گروه مدیریت راهبردی
فرهنگی، دانشگاه عالی دفاع ملی،
تهران، ایران.

naseh_rahehagh@yahoo.com

مهدی ناظمی اردکانی

دانشیار دانشگاه جامع امام حسین (ع)،
تهران، ایران.

mnazemi32@yahoo.com

رحیم حسین آبروش

دانشیار، گروه روابط بین‌الملل، واحد
همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان،
ایران.

qoqnoos2@gmail.com

یوسف حسین نژاد خاکی

دکتری سیاست‌گذاری فرهنگی،
دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران.

modiriyat@sndu.ac.ir

نوع مقاله: پژوهشی

صص: ۷۴-۵۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۱

شناسه دیجیتال (DOI):

10.22034/jpcs.2025.1283150.1399

◀ **استناد (ونکوور):** دهپیزی ا م، ترابی، ق، رضایی ع ر. گسترش حضور اتباع افغانه و امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. *مطالعات فرهنگی پلیس*، ۱۴۰۴، ۱۲(۲): ۷۴-۵۹.

◀ **استناد (APA):** دهپیزی، ا م، ترابی، ق، رضایی، ع ر. (۱۴۰۴). گسترش حضور اتباع افغانه و امنیت فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. *مطالعات فرهنگی پلیس*، ۱۲(۲)، ۷۴-۵۹.

در جهان امروز، تأمین امنیت شهری به یکی از چالش‌های پیچیده مدیریت اجتماعی تبدیل شده است. این چالش، علاوه بر ابعاد انتظامی و اجرایی، به مفاهیم بنیادین شهروندی، مشارکت عمومی و حقوق اجتماعی نیز مرتبط است که نقش تعیین‌کننده‌ای در انسجام اجتماعی و احساس امنیت دارند (گلی و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۹). بررسی روندهای نوظهور نشان می‌دهد که جرائم شهری نه تنها در حال افزایش‌اند، بلکه از نظر ماهیت، پیچیده‌تر و چندلایه‌تر شده‌اند. روش‌های سنتی تأمین امنیت که عمدتاً بر کنترل سخت‌افزاری و برخورد قهری مبتنی بوده‌اند، اگرچه در کوتاه‌مدت مؤثر ظاهر شده‌اند، اما نتوانسته‌اند امنیت پایدار را تضمین کنند؛ زیرا، یافته‌های علمی نشان داده‌اند که امنیت اجتماعی، در صورتی که بر پایه نهادینه‌شدن در ساختار فرهنگی و اجتماعی، مسؤلیت‌پذیری شهروندان و مشارکت فعال جامعه باشد، پایداری بیشتری خواهد داشت (قربانیان و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۴).

با گسترش روابط اجتماعی و تحولات شهری، تأمین امنیت از یک مسأله صرفاً انتظامی به پدیده‌ای چندبعدی تبدیل شده است که نیازمند نگاهی جامع به تعاملات اجتماعی و فرهنگی است (طیاری و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳۸). از سوی دیگر، رویکرد پلیس جامعه‌محور که به جای تمرکز بر کنترل انفعالی جرائم، بر تعامل مستقیم با شهروندان، تقویت حس اعتماد عمومی و پیشگیری از وقوع جرم تأکید دارد، مهم‌ترین ابزار مؤثر در تبدیل شهروندان از مخاطبان منفعل به کنشگران فعال در حفظ نظم اجتماعی محسوب می‌شود (سلیمی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۰۰).

در این میان، هیأت‌های مذهبی به‌عنوان نهادهای خودجوش و مردمی، ظرفیتی بی‌بدیل در مدیریت امنیت اجتماعی و تقویت انسجام فرهنگی دارند. این نهادها از دیرباز نقش محوری در انتقال ارزش‌های اسلامی، تثبیت هویت دینی و شکل‌دهی به همبستگی اجتماعی ایفا کرده‌اند (مظاهری، ۱۳۸۹: ۲۸۰). پس از انقلاب اسلامی، هیأت‌های

مذهبی به یکی از بازوهای فرهنگی نظام تبدیل شده و علاوه بر کارکردهای عبادی، البته به صورت پراکنده، در مواجهه با چالش‌های اجتماعی و تهاجم فرهنگی نقش سامان‌دهنده اجتماعی را برعهده گرفته‌اند.

تحلیل وضعیت موجود نشان می‌دهد که جامعه با چالش‌های اساسی در حوزه امنیت اجتماعی مواجه است. افزایش آمار نزاع‌های دسته‌جمعی، کاهش سرمایه اجتماعی، گسترش سبک‌های زندگی سکولار در میان نسل جوان و ضعف تعامل میان نهادهای مذهبی و انتظامی، از جمله عوامل تهدیدکننده نظم عمومی هستند. با وجود این چالش‌ها، ظرفیت‌های فرهنگی و اجتماعی هیأت‌های مذهبی در برنامه‌ریزی امنیتی مورد بهره‌برداری قرار نگرفته است. در این بین، توجه به مفهوم «سرمایه اجتماعی» (پاتنام، ۲۰۰۰) می‌تواند بعدی هم‌زمان نظری و عملی را فراهم آورد. او سرمایه اجتماعی را شامل اعتماد، هنجارها و شبکه‌های اجتماعی می‌داند که به همکاری و تعاون اعضای جامعه کمک می‌کند (پاتنام، ۱۳۹۲: ۴۵). بر اساس این دیدگاه، شبکه‌های اجتماعی، اعتماد متقابل و مشارکت فعال مدنی، ستون‌های اصلی ایجاد انسجام اجتماعی و کاهش احتمال وقوع جرائم محسوب می‌شوند. حضور مؤثر آیین‌های جمعی و گردهمایی‌های مذهبی می‌تواند زمینه‌های لازم برای تقویت این سرمایه اجتماعی را مهیا سازد (پاتنام، ۲۰۰۰: ۳۳۹-۳۳۸). با تکیه بر چارچوب نظری سرمایه اجتماعی پاتنام می‌توان به نقش هیأت‌های مذهبی در تأمین نظم و امنیت عمومی و تقویت انسجام اجتماعی را تحلیل کرد. از طریق آیین‌های جمعی و گردهمایی‌های مذهبی، این نهادها با ایجاد شبکه‌های منسجم ارتباطی، تثبیت ارزش‌های مشترک و بهبود سطح اعتماد متقابل، زمینه مشارکت فعال شهروندان در بهبود ساختارهای امنیتی و اجتماعی را فراهم می‌آورند. در نتیجه، هیأت‌های مذهبی

می‌توانند از یک‌نهاد صرفاً عبادی فراتر رفته و به سازمان‌دهندگان مؤثر در مدیریت بحران‌های اجتماعی و ایجاد مزایای دوگانه برای فرد و جامعه تبدیل شوند.

اما در شرایط فعلی، هیأت‌های مذهبی بیشتر در قالب مراکز عبادی و فرهنگی فعالیت می‌کنند و نقش آن‌ها در ایجاد نظم عمومی و پیشگیری از جرم به‌طور سازمان‌یافته در سیاست‌های انتظامی لحاظ نشده است. از سوی دیگر، نهادهای انتظامی نیز عمدتاً رویکردی سخت‌افزاری نسبت به امنیت دارند و کم‌تر از ظرفیت نهادهای مردمی در مدیریت بحران‌های اجتماعی بهره می‌برند. در نقطه مطلوب، هیأت‌های مذهبی می‌توانند به‌عنوان پل ارتباطی میان مردم و نهادهای امنیتی تعریف شوند و با بهره‌گیری از آیین‌های جمعی، به ترویج فرهنگ قانون‌مداری، کاهش آسیب‌های اجتماعی و مدیریت مؤثر بحران‌ها کمک کنند (بابایی و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۰).

در حوزه موردبحث، اگرچه تاکنون مقاله‌ای منحصراً مربوط به «نقش هیأت‌های مذهبی در تأمین نظم و انسجام اجتماعی» نوشته نشده است، اما تعدادی پژوهش صورت گرفته که می‌تواند زیرساخت نظری قابل‌توجهی ارائه دهد. به‌عنوان مثال، غفاری‌هشجین و همکاران (۱۳۹۱) در بررسی نقش‌های فرهنگی، هنری، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظامی هیأت‌های مذهبی در شهر تهران در فرآیند پیروزی انقلاب اسلامی، با ارائه شواهد و مصادیق مرتبط در بستر تاریخ انقلاب، ابعاد چندگانه و تأثیرگذار این نهادها را تبیین نمودند. سرخوش (۱۳۹۴) در پژوهش خود به بررسی نقش هیأت‌های مذهبی در دستیابی به جامعه‌ای پویا، متعهد و مسئولیت‌پذیر پرداخته و بر اهمیت تسهیل مشارکت مدنی از طریق این نهادها تأکید نموده است. در همین راستا، رهی و همکاران (۱۳۹۴) با تحلیل هیأت‌های مذهبی به‌عنوان سازمان‌های غیردولتی خودجوش و کاملاً مردمی که بر باورها و اعتقادات ناب دینی بنا شده‌اند، نشان دادند که این نهادها فراتر از تجمع صرف دینی، فرصت‌هایی برای گسترش اندیشه دینی، نشر ارزش‌های اسلامی، ارتقای مهارت‌های اجتماعی، همگرایی عمومی، اتحاد ملی و اصلاح نقایص اخلاقی فراهم می‌آورند.

همچنین، نتایج پژوهش بابایی و همکاران (۱۳۹۶) حاکی از آن است که تقویت محتوای عزاداری و آموزش تخصصی برای مداحان، سخنرانان و متصدیان هیأت‌ها می‌تواند از فرصت‌ها و نقاط قوت موجود نهایت بهره‌برداری را ممکن سازد، به‌گونه‌ای که با تبیین صحیح اهمیت موضوع، از انحرافات و کج‌روی‌های موجود در عملکرد این نهادها جلوگیری گردد. مشعلچی و مرشدی (۱۴۰۰) نیز در پژوهش خود دریافتند که علی‌رغم نقش واسط هیأت‌های مذهبی در ایجاد فرصت‌های تعامل و تشریک‌مساعی مردمی، شیوه عملکرد آن‌ها در ترویج ویژگی‌های جامعه مدنی به یک صورت یک‌پارچه نیست؛ این نکته بیانگر فراگیری و چندبعدی بودن نقش این نهادها در بستر اجتماعی معاصر است.

با توجه به مطالعات فوق، علی‌رغم ارائه چشم‌اندازهای غنی در خصوص ابعاد مختلف نقش هیأت‌های مذهبی، هنوز خلأ قابل‌توجهی در بررسی مستقیم تأثیر آن‌ها بر نظم و انسجام اجتماعی به‌ویژه در زمینه‌های امنیت شهری و مدیریت بحران‌های اجتماعی وجود دارد. پژوهش حاضر سعی دارد تا با پرداختن به این نقاط نادیده گرفته‌شده و با بهره‌گیری از رویکردی جامع و چندبعدی، الگویی نوین از تعامل میان هیأت‌های مذهبی و نهادهای انتظامی ارائه دهد. این الگو، با استناد به چارچوب نظری سرمایه اجتماعی پاتنام که بر اهمیت شبکه‌های اجتماعی، اعتماد متقابل و مشارکت مدنی تأکید دارد، قادر خواهد بود تا راهکارهای عملی و سامانه‌ای را منجر به بهبود نظم عمومی و افزایش امنیت روانی جامعه کند. به‌این ترتیب، پژوهش حاضر نه تنها از مطالعات پیشین فراتر رفته، بلکه با ارزیابی دقیق ابعاد فرهنگی و عملی نقش هیأت‌های مذهبی، راه‌حلی نوین و کارآمد جهت ترویج فرهنگ مشارکت و مسئولیت اجتماعی در نظام‌های امنیتی ارائه می‌دهد. در واقع، بر پایه تحلیل نظام‌مند داده‌های میدانی و با بهره‌مندی از چارچوب نظری سرمایه اجتماعی پاتنام، این پژوهش سعی دارد تا الگوی تعامل نوینی ارائه داده و راهکارهای عملی جهت بهره‌گیری بهینه از ظرفیت‌های فرهنگی و اجتماعی هیأت‌های مذهبی در ارتقای امنیت و نظم عمومی را به

و کنترل کیفی تحلیل داده‌ها با رمزگذاری مستقل توسط پژوهشگران دیگر تأمین گردید (مایز، ۲۰۰۰: ۳۵). استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا^{۱۰} تحلیل دقیق‌تر الگوها و روابط میان مقولات را تسهیل کرد و کیفیت علمی پژوهش را ارتقا داد و امکان تعمیم‌پذیری محدود یافته‌ها را در بستر فرهنگی-اجتماعی مورد مطالعه فراهم آورد.

یافته‌ها

پس از تحلیل اولیه مصاحبه‌ها، ۳۵۰ رمز اولیه (رمزگذاری باز) استخراج شد. این داده‌ها در قالب ۳۰ رمز محوری و در نهایت ۶ رمز انتخابی طبقه‌بندی شدند که به ترتیب به مقوله‌های علمی، محوری، مداخله‌گر، زمینه‌ای، راهبردی و پیامدی منجر شدند. این چارچوب تحلیلی، فرایند پژوهش را از شناسایی ریشه‌های چالش‌های امنیتی (مانند فردگرایی و نفوذ فرهنگی غرب) تا ارائه راهکارهای عملیاتی (مثل آموزش روحانیون و طراحی پوشش‌های مشترک با پلیس) پوشش داده و زمینه لازم برای پژوهش نقش هیأت‌های مذهبی در مدیریت امنیت اجتماعی را فراهم کرد.

نمایش بگذارد. نگارندگان با مشاهده دو پدیده به‌ظاهر متناقض در جامعه ایرانی، یعنی از یک‌سو استقبال گسترده از آیین‌های مذهبی و از سوی دیگر رشد آسیب‌های اجتماعی، این پرسش را پاسخ دهد که «آیا هیأت‌های مذهبی می‌توانند با بازتعریف کارکردهای خود، از طریق حفظ هویت اسلامی به سازمان‌دهندگان نظم عمومی و عوامل مؤثر در کاهش جرائم و افزایش امنیت روانی جامعه کمک کنند؟»

روش پژوهش

این پژوهش با رویکرد کیفی و روش داده‌بنیاد (فلیک^۱، ۱۳۸۸: ۱۰۸) انجام می‌شود که باهدف استخراج نظریه‌های نوظهور از تحلیل نظام‌مند داده‌های میدانی بدون پیش‌فرض‌های نظری، مفاهیم بنیادین را از تجربیات زیسته مشارکت‌کنندگان استخراج و چارچوبی برای تدوین الگوهای تفسیری نوین ارائه می‌کند. فرایند پژوهش در سه مرحله رمزگذاری باز^۲ (تجزیه داده‌ها به واحدهای مفهومی و شناسایی مقولات اولیه)، رمزگذاری محوری^۳ (تحلیل روابط ساختاری و علمی-معلولی میان مقولات) و رمزگذاری انتخابی^۴ (یک‌پارچه‌سازی نظریه نهایی و ساختاردهی الگوها) انجام می‌گیرد (اشتراوس و کوربین، ۱۹۸۸: ۵۱). داده‌های پژوهش، از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۳۵ نفر از اعضای هیأت‌های مذهبی، روحانیون و مسئولان نهادهای انتظامی، مشاهده مشارکتی در مراسم هیأتی و تحلیل اسنادی (اساسنامه‌ها، سخنرانی‌ها و گزارش‌ها) گردآوری شد. نمونه‌گیری هدفمند تا اشباع نظری^۶ (تا مصاحبه بیست و نهم) ادامه یافت و اعتبار و روایی پژوهش با مثلث‌سازی روش‌ها^۷ (تلفیق مصاحبه، مشاهده و تحلیل اسناد) و تأییدیه مشارکت‌کنندگان پژوهش^۸ تضمین شد. پایایی از طریق رمزگذاری دقیق، ثبت یادداشت‌های میدانی

6- Theoretical Saturation
7- Triangulation
8- Member Checking
9- Mays
10- MAXQDA

1- Flick
2- Open Coding
3- Axial Coding
4- Selective Coding
5- Strauss & Corbin

جدول ۱- مقوله‌های شش‌گانه، رمزهای انتخابی و محوری

مورد	مقوله	رمز انتخابی	رمزهای محوری
۱	مقوله علی (شرایط علی)	ریشه‌های تهدید نظم عمومی و هویت اسلامی	گسترش فردگرایی و کاهش همبستگی اجتماعی؛ نفوذ سبک زندگی غربی در میان نسل جوان؛ ضعف در اجرای قوانین مرتبط با امنیت فرهنگی؛ عدم آگاهی بخشی مؤثر نهادهای مذهبی به جامعه؛ افزایش شکاف بین نسل‌ها در درک مفاهیم دینی
۲	مقوله محوری (پدیده کانونی)	نقش هیأت‌های مذهبی در تقاطع هویت اسلامی و امنیت عمومی	آیین‌های جمعی به‌مثابه ابزار انسجام‌بخش؛ تولید گفتمان مقاومت در برابر بی‌هنجاری‌ها؛ تبدیل هیأت‌ها به نهادهای «پلیس فرهنگی»؛ ترویج الگوهای رفتاری مبتنی بر احترام به قانون؛ ایجاد شبکه‌های اعتماد بین مردم و نهادهای امنیتی
۳	مقوله مداخله‌گر (شرایط مداخله‌گر)	عوامل تعدیل‌کننده تأثیر هیأت‌ها بر امنیت عمومی	سیاست‌های دولتی در قبال نهادهای مردمی؛ میزان مشارکت جوانان در هیأت‌های مذهبی؛ نقش رسانه‌های رسمی در تقویت یا تضعیف هیأت‌ها؛ چالش‌های اقتصادی و تأثیر آن بر فعالیت هیأت‌ها؛ تنش بین گفتمان سنتی و مدرن در هیأت‌ها
۴	مقوله زمینه‌ساز (شرایط زمینه‌ای)	بسترهای فرهنگی - اجتماعی تأثیرگذار بر عملکرد هیأت‌ها	هویت شیعی به‌عنوان زیرساخت فرهنگی ایران؛ تفاوت جغرافیایی (شهر و روستا) در عملکرد هیأت‌ها؛ نقش فضای مجازی در بازتعریف آیین‌های مذهبی؛ جایگاه هیأت‌ها در گفتمان امنیت ملی؛ تاریخچه تعامل هیأت‌ها با نهادهای انتظامی
۵	مقوله راهبردها (اقدامات)	راهکارهای بهینه‌سازی نقش هیأت‌ها در نظم عمومی	آموزش مهارت‌های ارتباطی به روحانیون هیأت‌ها؛ طراحی پوشش‌های مشترک هیأت‌ها و پلیس برای پیشگیری از جرم؛ استفاده از هنرهای نوین (تئاتر خیابانی، موشن گرافی و ...) در تبلیغات مذهبی؛ ایجاد سامانه گزارش‌دهی مردمی به هیأت‌ها برای مسائل امنیتی؛ تدوین منشور اخلاقی فعالیت هیأت‌ها با همکاری نیروی انتظامی
۶	مقوله پیامدها	دستاوردهای تلفیق کارکرد هیأت‌ها با امنیت عمومی	کاهش نزاع‌های محله‌ای از طریق گفتمان‌سازی دینی؛ ارتقای سرمایه اجتماعی در مناطق پرآسیب؛ تقویت هویت اسلامی به‌عنوان سپر فرهنگی در برابر آسیب‌ها؛ افزایش مشروعیت نهادهای انتظامی در بین مردم؛ ایجاد الگوی بومی برای امنیت پایدار مبتنی بر مشارکت مردمی

از آن است که اگرچه فردگرایی غالب است، اما مشارکت‌های هدفمند می‌تواند شبکه‌های اجتماعی را احیا کند که با نقش این شبکه‌ها در نظریه پاتنام هم‌راستا است.

- نفوذ سبک زندگی غربی: این پدیده هنجارهای مشترک را تخریب کرده است. یک جوان بیان کرد: «گفتمان سنتی مراسم‌های مذهبی با ما همخوانی ندارد»، اما یک مداح جوان افزود: «با رسانه‌های دیجیتال، ارزش‌های عاشورایی را نوآورانه منتقل می‌کنیم». این دیدگاه‌های متناقض نشان می‌دهد که نفوذ غربی در کنار تهدید، فرصتی برای بازتعریف هنجارهای دینی ایجاد کرده است که با تأکید پاتنام بر هنجارهای مشترک همخوانی دارد.

یافته‌های پژوهش، با استناد به نظریه سرمایه اجتماعی پاتنام، نشان می‌دهد که تهدیدات امنیتی و فرهنگی جامعه ایرانی از تضعیف شبکه‌های اجتماعی، اعتماد متقابل و مشارکت مدنی ناشی می‌شود. تحلیل داده‌های کیفی از مصاحبه با مسئولان انتظامی، اعضای هیأت‌های مذهبی و جوانان، پنج عامل کلیدی را شناسایی کرد:

- گسترش فردگرایی: این روند، شبکه‌های اجتماعی را تضعیف کرده و تعاملات جمعی را کاهش می‌دهد. یک مسئول انتظامی اظهار داشت: «حضور جوانان در مراسم‌های مذهبی گاهی مصرفی شده؛ آن‌ها به دنبال جلب توجه‌اند، نه مشارکت جمعی». در مقابل، یک عضو هیئت گفت: «برخی جوانان با سازمان‌دهی مراسم، حس تعلق جمعی را نشان می‌دهند». این تناقض حاکی

• آیین‌های جمعی به‌مثابه ابزار انسجام‌بخش: آیین‌های مذهبی، مانند مراسم محرم، با گردهم‌آوردن شهروندان، شبکه‌های اجتماعی منسجمی ایجاد می‌کنند که حس تعلق و ارزش‌های دینی را تقویت می‌نماید. یک مسئول انتظامی اظهار داشت: «در مناطقی با هیأت‌های فعال، گزارش‌دهی مردمی درباره ناهنجاری‌ها به دلیل اعتماد به ساختارهای محلی افزایش یافته است». در مقابل، یک جوان گفت: «گاهی شرکت در این مراسم‌ها بیشتر به عادت است تا حس تعلق». این دیدگاه به‌ظاهر متناقض نشان می‌دهد که اگرچه آیین‌های جمعی به‌طور بالقوه انسجام بخش‌اند، اما اثربخشی آن‌ها به نحوه تعامل با نسل جوان بستگی دارد که با نظریه سرمایه اجتماعی پاتنام در تقویت انسجام اجتماعی هم‌راستاست.

• تولید گفتمان مقاومتی در برابر بی‌هنجاری‌ها: هیأت‌ها از طریق خطبه‌ها و محتوای دینی، گفتمان‌هایی تولید می‌کنند که با بی‌هنجاری‌های فرهنگی مقابله کرده و هنجارهای اسلامی را تثبیت می‌کنند. یک مداح جوان بیان کرد: «با زبانی امروزی، جوانان را به ارزش‌های دینی متصل کردیم». اما، یک شهروند مسن افزود: «برخی خطبه‌ها برای جوانان جذاب نیست و اثرگذاری محدودی دارد». این تناقض نشان می‌دهد که گفتمان مقاومتی زمانی موفق است که با زبان و نیازهای نسل جوان هماهنگ شود که با تأکید پاتنام بر نقش هنجارهای مشترک در همکاری اجتماعی همخوانی دارد.

• تبدیل هیأت‌ها به نهادهای پلیس فرهنگی: هیأت‌ها با تلفیق ارزش‌های دینی و مشارکت در مدیریت بحران‌های اجتماعی، مانند پیشگیری از نزاع‌های محلی، نقش نهادهای فرهنگی-امنیتی را ایفا می‌کنند. یک روحانی گفت: «تعامل مردم با پلیس در مراسم‌ها، امنیت را بخشی از هویت فرهنگی‌شان

• ضعف اجرای قوانین فرهنگی: این امر اعتماد نهادی را کاهش داده است. یک کارشناس فرهنگی گفت: «عدم اجرای مؤثر قوانین اسلامی، نظام فرهنگی را در نظر جوانان ضعیف جلوه می‌دهد». در مقابل، یک روحانی اظهار داشت: «هیأت‌ها با تعاملات غیررسمی، اعتماد محلی را حفظ کرده‌اند». این تناقض نشان می‌دهد که هیأت‌ها می‌توانند خلأهای نهادی را جبران کنند که با نقش نهادهای محلی در نظریه کارکردگرایی هم‌راستاست.

• ناکارآمدی نهادهای مذهبی: این ضعف شکاف نسلی را تعمیق می‌بخشد. یک روحانی گفت: «نمی‌توانیم با رسانه‌های مدرن رقابت کنیم»؛ اما، یک عضو مسن هیئت افزود: «دعوت از جوانان به تصمیم‌گیری، شکاف نسلی را کاهش داده است». این تناقض حاکی از آن است که اصلاح روش‌های تعامل با جوانان می‌تواند اثربخشی نهادهای مذهبی را افزایش دهد.

• شکاف نسلی: این پدیده هماهنگی هنجاری را مختل کرده است. یک جوان گفت: «دوست داریم در مراسم‌ها شرکت کنیم، اما نه با قواعد قدیمی». در مقابل، یک روحانی اظهار کرد: «واگذاری نقش‌های رهبری به جوانان، شکاف نسلی را کم کرده است». این تناقض نشان می‌دهد که مشارکت فعال جوانان می‌تواند همگرایی نسلی را تقویت کند.

این عوامل با تضعیف سرمایه اجتماعی، همبستگی و هویت اسلامی را تهدید می‌کنند. تقویت آیین‌های جمعی هیأت‌ها، بازسازی شبکه‌های اجتماعی، ترویج هنجارهای اسلامی و ایجاد پل‌های بین نسلی می‌تواند این تهدیدات را کاهش دهد و انسجام اجتماعی را احیا کند. مقوله محوری پژوهش، «نقش هیأت‌های مذهبی در پیوند هویت اسلامی و امنیت عمومی» است که از طریق تحلیل داده‌های کیفی در چند بعد کلیدی تبیین می‌شود:

می‌کند». با این حال، یک جوان اظهار داشت: «حضور پلیس گاهی حس نظارت ایجاد می‌کند، نه حمایت». این دیدگاه متناقض حاکی از آن است که نقش پلیس فرهنگی هیأت‌ها زمانی مؤثر است که تعاملات به گونه‌ای باشد که حس همکاری را تقویت کند. این مورد با نظریه کارکردگرایی در حفظ تعادل اجتماعی هم‌راستا است.

- ترویج الگوهای رفتاری مبتنی بر احترام به قانون: هیأت‌ها با ترویج رفتارهای قانون‌مدار، فرهنگ احترام به نظم عمومی را نهادینه می‌کنند. یک مسئول انتظامی گزارش داد: «همکاری هیأت‌ها در کمپین‌های پیشگیری از جرائم، نزاع‌های محله‌ای را کاهش داده است»؛ اما، یک شرکت‌کننده جوان گفت: «بعضی قوانین برای ما سخت‌گیرانه به نظر می‌رسد». این تناقض نشان می‌دهد که ترویج قانون‌مداری نیازمند تعادل بین اقتدار و پذیرش اجتماعی است تا اثربخشی آن افزایش یابد.

- ایجاد شبکه‌های اعتماد میان مردم و نهادهای امنیتی: حضور نیروهای انتظامی در مراسم‌های مذهبی، مانند مدیریت نظم، اعتماد متقابل را تقویت می‌کند. یک جوان اظهار کرد: «حضور پلیس در مراسم‌ها، آن‌ها را حافظ نظم نشان می‌دهد، نه صرفاً مجری قانون». در مقابل، یک شهروند مسن گفت: «بعضی هنوز به پلیس به‌عنوان نهادی بیرونی نگاه می‌کنند». این تناقض حاکی از آن است که تقویت اعتماد نیازمند تعاملات مستمر و هم‌دلانه است تا شکاف بین مردم و نهادها کاهش یابد که با تأکید پاتنام بر اعتماد متقابل همخوانی دارد.

در مجموع، هیأت‌های مذهبی با بهره‌گیری از آیین‌های جمعی، گفت‌وگوهای مقاومتی و مشارکت مدنی، به‌عنوان نهادهای پلیس فرهنگی عمل کرده، هویت اسلامی را تقویت کرده و با کاهش فردگرایی و ارتقای اعتماد و همکاری اجتماعی، امنیت عمومی را تثبیت می‌کنند.

یافته‌های پژوهش با استناد به نظریه سرمایه اجتماعی پاتنام، نشان می‌دهد که عوامل مداخله‌گر شامل سیاست‌های دولتی، مشارکت جوانان، نقش رسانه‌ها، چالش‌های اقتصادی و تنش‌های گفت‌وگویی، نقش هیأت‌های مذهبی را در تقویت انسجام اجتماعی و امنیت عمومی به‌صورت زیر تعدیل می‌کنند:

- سیاست‌های دولتی و حمایت از شبکه‌های اجتماعی: سیاست‌های دولتی می‌توانند شبکه‌های اجتماعی را تقویت یا تضعیف کنند. یک مسئول انتظامی گفت: «حمایت دولتی از هیأت‌ها، مانند تخصیص بودجه، تعاملات مدنی و گزارش‌دهی ناهنجاری‌ها را افزایش داد، اما کاهش حمایت‌ها به دلیل فساد در توزیع منابع، جایگاه هیأت‌ها را تضعیف کرد». در مقابل، یک عضو جوان هیئت محروم اظهار داشت: «بدون حمایت دولت، با کمک‌های مردمی در بحران‌ها نقش‌آفرین بودیم». این تناقض نشان می‌دهد که حمایت دولتی تنها با تقویت سرمایه اجتماعی محلی (شبکه و اعتماد) مؤثر است که با نظریه پاتنام هم‌راستا است.
- مشارکت جوانان و هنجارهای مشترک: حضور جوانان هنجارهای دینی را بازتولید می‌کند. یک مداح جوان گفت: «با گفت‌وگو معاصر، جوانان را به ارزش‌های دینی متصل کردیم»؛ اما، یک روحانی مسن افزود: «جوانان به فعالیت‌های فردی مثل سلفی گرفتن تمایل دارند که انتقال ارزش‌ها را مختل می‌کند». این تناقض حاکی است که هماهنگی هنجاری نیازمند تلفیق گفت‌وگو سستی و مدرن است که با تأکید پاتنام بر هنجارهای مشترک همخوانی دارد.
- نقش رسانه‌ها در اعتبار هیأت‌ها: رسانه‌ها بر اعتماد عمومی اثر می‌گذارند. یک کارشناس فرهنگی اظهار کرد: «پوشش مثبت رسانه‌ای اعتماد به هیأت‌ها را افزایش می‌دهد، اما گزارش‌های منفی مشارکت را کاهش می‌دهد».

در تقویت امنیت عمومی تحت تأثیر بسترهای فرهنگی - اجتماعی است که شبکه‌های اجتماعی، هنجارهای مشترک و اعتماد متقابل را شکل می‌دهند:

- هویت شیعی به‌عنوان زیربنای هنجارهای مشترک: هویت شیعی، هنجارهای مشترک را تثبیت کرده و زمینه همکاری اجتماعی را فراهم می‌کند. یک عضو هیئت گفت: «مراسم محرم حس تعلق و مسؤولیت اجتماعی را تقویت می‌کند»؛ اما، یک جوان شهری اظهار داشت: «گاهی این مراسم‌ها برای ما بیشتر نمادین است تا هویت‌ساز». این تناقض نشان می‌دهد که نیازهای نسل جوان هماهنگ شود که با تأکید پاتنام بر هنجارهای مشترک هم‌راستا است.
- تفاوت‌های جغرافیایی در شبکه‌های اجتماعی: در مناطق روستایی، شبکه‌های پایدار (خانواده و همسایگی) اثربخشی هیأت‌ها را افزایش داده‌اند. یک مدیر هیئت روستایی گفت: «شبکه‌های محلی ما را در حفظ انسجام قوی‌تر کرده‌اند». در مقابل، یک مدیر هیئت شهری بیان کرد: «در شهرها، فردگرایی شبکه‌های اجتماعی را تضعیف کرده و نیاز به روش‌های نوین داریم». این تناقض نشان‌دهنده تأثیر ساختارهای جغرافیایی بر سرمایه اجتماعی است.
- فضای مجازی به‌عنوان فرصت و چالش: فضای مجازی شبکه‌های اجتماعی را گسترش داده، اما تهدیداتی مانند ترویج ارزش‌های غربی را به همراه دارد. یک مداح جوان گفت: «با شبکه‌های اجتماعی، جوانان را به آیین‌های دینی متصل کردیم»؛ اما، یک روحانی مسن افزود: «فضای مجازی گاهی ارزش‌های سنتی را کم‌رنگ می‌کند». این تناقض حاکی از آن است که مدیریت فضای مجازی برای تقویت شبکه‌ها ضروری است که با نظریه پاتنام همخوانی دارد.

درمقابل، یک عضو هیئت گفت: «با وجود گزارش‌های منفی، با جذب جوانان شبکه‌های محلی را تقویت کردیم». این تناقض نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی محلی می‌تواند تأثیرات منفی رسانه‌ای را خنثی کند.

• چالش‌های اقتصادی: محدودیت‌های اقتصادی توان هیأت‌ها را کاهش می‌دهد. یک کارشناس اقتصادی گفت: «کمبود بودجه در مناطق فقیر، برنامه‌های هیأت‌ها را محدود کرده است»؛ اما، یک مدیر هیئت محروم افزود: «با کمک‌های مردمی و داوطلبان، نزاع‌های محله‌ای را کاهش دادیم». این تناقض نشان‌دهنده قدرت خودسازمان‌دهی جامعه مدنی در برابر بحران‌های اقتصادی است.

• تنش بین گفتمان سنتی و مدرن: این تنش می‌تواند نوآوری یا تفرقه ایجاد کند. یک روحانی جوان گفت: «با موشن‌گرافیک و شبکه‌های اجتماعی، جوانان را جذب کردیم»؛ اما، یک عضو سنت‌گرا هشدار داد: «تغییر قوانین دینی می‌تواند هویت اسلامی را تضعیف کند». این تناقض حاکی از نیاز به تعادل بین حفظ ارزش‌ها و انعطاف فرهنگی است که با نقش هماهنگی هنجاری پاتنام هم‌راستا است.

• این عوامل با تعدیل سرمایه اجتماعی، نقش هیأت‌ها را در بازسازی شبکه‌های اجتماعی، هنجارها و اعتماد شکل می‌دهد. تقویت حمایت‌های دولتی هدفمند، تلفیق گفتمان‌های سنتی و مدرن، مدیریت پوشش رسانه‌ای، خودسازمان‌دهی در برابر چالش‌های اقتصادی و ایجاد تعادل هنجاری، می‌تواند ظرفیت هیأت‌ها را برای ارائه الگویی بومی از امنیت پایدار مبتنی بر سرمایه اجتماعی ارتقا دهد.

در ادامه، یافته‌های پژوهش با استناد به نظریه سرمایه اجتماعی پاتنام، نشان می‌دهد که عملکرد هیأت‌های مذهبی

- تاریخچه تعامل با نهادهای امنیتی: تعاملات مثبت گذشته با پلیس، اعتماد متقابل را تقویت کرده است. یک مسئول انتظامی اظهار داشت: «همکاری هیأت‌ها با پلیس، اعتماد مردم به سیستم امنیتی را افزایش داده است». در مقابل، یک شهروند گفت: «در برخی مناطق، سابقه منفی تعاملات، اعتماد را کاهش داده است». این تناقض نشان می‌دهد که اعتماد متقابل به کیفیت و تداوم تعاملات بستگی دارد که با تأکید پاتنام بر اعتماد هم‌راستا است.
- این بسترها با تأثیر بر شبکه‌های اجتماعی، هنجارها و اعتماد، نقش هیأت‌ها در امنیت عمومی را تعدیل می‌کنند. تقویت هویت شیعی با رویکردهای معاصر، تطبیق با تفاوت‌های جغرافیایی، مدیریت فضای مجازی و بهبود تعاملات با نهادهای امنیتی، می‌تواند ظرفیت هیأت‌ها را برای حفظ هویت دینی و امنیت پایدار مبتنی بر سرمایه اجتماعی ارتقا دهد.
- تحلیل داده‌های مقوله راهبردها، «راهکارهای بهینه‌سازی نقش هیأت‌های مذهبی در نظم عمومی»، با استناد به نظریه سرمایه اجتماعی پاتنام، راهبردهای زیر را برای تقویت نقش هیأت‌ها در امنیت عمومی شناسایی کرده است:
- آموزش مهارت‌های ارتباطی و مدیریت بحران به روحانیون: آموزش مهارت‌های ارتباطی و حل تعارض به روحانیون، تعامل با جوانان و تولید گفتمان مقاومتی معاصر را تسهیل می‌کند. یک روحانی جوان گفت: «با یادگیری مهارت‌های ارتباطی، توانستم جوانان را به ارزش‌های دینی نزدیک‌تر کنم»؛ اما، یک عضو مسن هیئت اظهار داشت: «برخی روحانیون هنوز به روش‌های سنتی پایبندند و از آموزش‌های جدید استقبال نمی‌کنند». این تناقض نشان می‌دهد که آموزش هدفمند می‌تواند شکاف نسلی را کاهش داده و شبکه‌های اجتماعی و اعتماد متقابل را تقویت کند که با نظریه پاتنام هم‌راستا است.
- طراحی پویای مشترک با نیروهای انتظامی: همکاری‌های عملیاتی هیأت‌ها و پلیس، شبکه‌های اعتماد را تقویت می‌کند. یک مسئول انتظامی گفت: «پویای مشترک، مانند کاروان‌های امدادی، نزاع‌های محله‌ای را کاهش داده است». در مقابل، یک شهروند افزود: «گاهی این همکاری‌ها، نمایشی به نظر می‌رسد و تأثیر عمیقی ندارد». این تناقض حاکی از آن است که پویای‌ها باید با مشارکت واقعی و مستمر طراحی شوند تا اعتماد متقابل را مطابق نظریه کارکردگرایی، تقویت کنند.
- استفاده از هنرهای نوین برای جذب جوانان: کاربرد هنرهای معاصر، مانند موشن گرافیک، شبکه‌های اجتماعی را گسترش داده و جوانان را جذب می‌کند. یک مداح جوان اظهار کرد: «بیاهنرهای دیجیتال، جوانان بیشتری به آیین‌ها پیوستند»؛ اما، یک روحانی سنتی گفت: «این روش‌ها ممکن است اصالت دینی را کم‌رنگ کند». این تناقض نشان می‌دهد که تلفیق هنرهای نوین با ارزش‌های سنتی می‌تواند هماهنگی هنجاری را تقویت کند که با نظریه پاتنام همخوانی دارد.
- ایجاد سامانه‌های گزارش‌دهی دیجیتال: سامانه‌های دیجیتال، مشارکت مدنی و اطلاع‌رسانی سریع را تسهیل می‌کنند. یک مدیر هیئت گفت: «اپلیکیشن‌های محلی به حل سریع بحران‌های اجتماعی کمک کرده‌اند»؛ اما، یک شهروند افزود: «دسترسی محدود به فناوری در برخی مناطق، اثربخشی این سامانه‌ها را کاهش می‌دهد». این تناقض نشان‌دهنده نیاز به زیرساخت‌های فراگیر برای تقویت اعتماد و مشارکت در مناطق پرآسیب است.
- تدوین منشور اخلاقی مشترک با نیروهای انتظامی: منشور اخلاقی، با تعریف هنجارهای شفاف، هماهنگی و مشروعیت هیأت‌ها را

ناپایدار است». این تناقض حاکی از نیاز به حمایت‌های ساختاری برای تداوم سرمایه اجتماعی است.

- تقویت هویت اسلامی به‌عنوان سپر فرهنگی: هیأت‌ها با ترویج ارزش‌های دینی، هویت اسلامی را در برابر فردگرایی و نفوذ فرهنگی غرب مقاوم کرده‌اند. یک کارشناس فرهنگی گفت: «هیأت‌های فعال جوانان را از فردگرایی دور می‌کند؛ اما، یک جوان افزود: «بعضی برنامه‌های هیأت‌ها به‌جای هویت‌سازی، مصرف فرهنگی به‌نظر می‌رسند». این تناقض نشان‌دهنده لزوم تلفیق نوآوری و اصالت دینی است.

- افزایش مشروعیت نهادهای انتظامی: همکاری هیأت‌ها با پلیس اعتماد عمومی را تقویت کرده است. یک مسئول انتظامی گفت: «همکاری با هیأت‌ها امنیت را بخشی از هویت فرهنگی مردم کرده است». درمقابل، یک عضو هیئت اظهار داشت: «برخی این همکاری را مداخله دولتی می‌بینند». این تناقض حاکی از نیاز به شفافیت در تعاملات برای حفظ استقلال هیأت‌ها است.

- ایجاد الگوی بومی امنیت پایدار: کارکردهای فرهنگی و امنیتی هیأت‌ها الگوی بومی مبتنی بر مشارکت مردمی ارائه داده است. یک مدیر هیئت گفت: «این الگو با شبکه‌های محلی نزاع‌ها را کاهش داده است؛ اما، یک شهروند افزود: «گسترش این الگو به زیرساخت‌های قوی‌تر نیاز دارد». این تناقض نشان‌دهنده اهمیت تقویت زیرساخت‌ها برای تعمیم‌پذیری است.

این پیامدها با تأکید بر شبکه‌های اجتماعی (آیین‌های جمعی و سامانه‌های دیجیتال)، هنجارهای مشترک (گفتمان دینی و منشور اخلاقی) و اعتماد متقابل (تعامل با پلیس)، نقش هیأت‌ها را به‌عنوان «پلیس فرهنگی» تثبیت می‌کند. تعادل بین نوآوری فرهنگی و حفظ اصالت دینی، همراه با تقویت زیرساخت‌ها، الگویی پایدار برای امنیت مبتنی بر

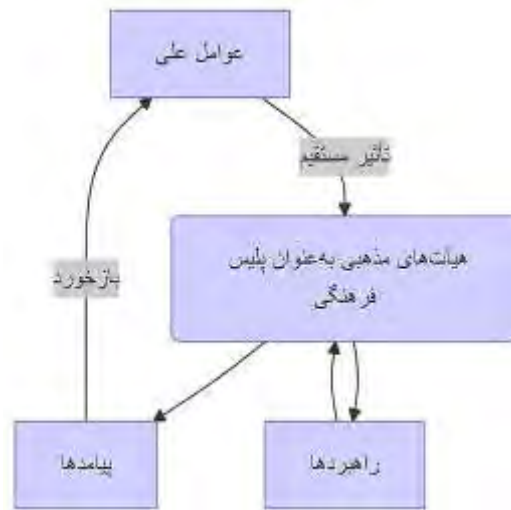
افزایش می‌دهد. یک مسئول انتظامی گفت: «منشور اخلاقی همکاری ما با هیأت‌ها را شفاف‌تر کرده است». درمقابل، یک عضو هیئت اظهار داشت: «اجرای منشور گاهی به‌دلیل نبود اجماع دشوار است». این تناقض نشان‌دهنده آن است که موفقیت منشور به اجماع و تعهد مشترک بستگی دارد که با تأکید پاتنام بر هنجارهای مشترک هم‌راستا است.

این راهبردها با تقویت شبکه‌های اجتماعی، هنجارهای مشترک و اعتماد متقابل، نقش هیأت‌ها را در نظم عمومی بهینه می‌کنند. آموزش روحانیون، پویش‌های مشترک، هنرهای نوین، سامانه‌های دیجیتال و منشور اخلاقی، با تلفیق سنت و مدرنیته، الگویی بومی برای امنیت پایدار مبتنی بر سرمایه اجتماعی ارائه می‌دهند. همچنین، تحلیل یافته‌ها، در مقوله پیامدها، «دستاوردهای تلفیق کارکرد هیأت‌های مذهبی با امنیت عمومی»، با استناد به نظریه سرمایه اجتماعی پاتنام، پیامدهای زیر را شناسایی کرده است:

- کاهش نزاع‌های محله‌ای از طریق گفتمان دینی: همکاری هیأت‌ها و پلیس در مناطق پرآسیب، تنش‌های محلی را کاهش داده است. یک روحانی گفت: «گفتمان دینی در منطقه ما دشمنی‌های خانوادگی را حل کرد؛ اما، یک شهروند افزود: «گاهی این گفتمان‌ها برای نسل جوان جذاب نیست و اثر محدودی دارد». این تناقض نشان می‌دهد که گفتمان دینی نیازمند زبانی معاصر است تا انسجام اجتماعی را تقویت کند که با نقش هنجارهای مشترک پاتنام هم‌راستا است.

- ارتقای سرمایه اجتماعی در مناطق محروم: فعالیت هیأت‌ها شبکه‌های اجتماعی محلی را بازسازی کرده است. یک مدیر هیئت اظهار داشت: «برنامه‌های ما در مناطق محروم حس همبستگی را تقویت کرد». درمقابل، یک جوان گفت: «این فعالیت‌ها گاهی به‌دلیل کمبود منابع

سرمایه اجتماعی به شکل زیر ارائه می‌دهد.



شکل ۱- چرخه تعاملی اجزاء و یافته‌های پژوهش

- تفاوت‌های جغرافیایی و انطباق محلی: هیأت‌ها در مناطق روستایی به دلیل شبکه‌های اجتماعی پایدار (خانواده و همسایگی) اثربخش‌ترند. یک مدیر هیأت روستایی گفت: «شبکه‌های محلی ما انسجام را تقویت کرده‌اند». در مقابل، یک مدیر شهری افزود: «در شهرها، فردگرایی ما را وادار به خلاقیت در فعالیت‌ها کرده است». این تناقض حاکی از نیاز به انطباق با شرایط محلی برای تقویت سرمایه اجتماعی و امنیت پایدار است.
 - نقش پلیس فرهنگی و مشارکت مدنی: تبدیل هیأت‌ها به «پلیس فرهنگی» با ترویج رفتارهای قانون‌مدار و همکاری با پلیس، نزاع‌های محله‌ای را کاهش داده است. یک مسئول انتظامی گفت: «همکاری با هیأت‌ها اعتماد مردم به پلیس را افزایش داده است»؛ اما، یک شهروند اظهار داشت: «تشدید جنبه‌های سیاسی در هیأت‌ها می‌تواند مشارکت جوانان را کاهش دهد». این تناقض نشان‌دهنده لزوم حفظ استقلال هیأت‌ها برای تقویت اعتماد متقابل است.
 - تعادل بین هویت دینی و انعطاف فرهنگی: هیأت‌ها با ترویج هویت اسلامی در برابر نفوذ فرهنگی غرب مقاومت می‌کنند. یک کارشناس فرهنگی گفت: «هیأت‌های فعال جوانان را از فردگرایی دور می‌کند»؛ اما، یک جوان افزود: «برخی فعالیت‌ها به جای هویت‌سازی، مصرف فرهنگی به نظر می‌رسند». این تناقض بر اهمیت انعطاف‌پذیری در روش‌های فرهنگی برای حفظ هویت دینی تأکید دارد.
- این تحلیل نشان می‌دهد که موفقیت هیأت‌ها در امنیت پایدار به تعامل پویا با نهادهای انتظامی، انطباق با تحولات فرهنگی و تقویت شبکه‌های محلی وابسته است. یک عضو هیأت گفت: «همکاری با پلیس و استفاده از فناوری، نزاع‌ها را کاهش داده است»، اما یک شهروند هشدار داد: «وابستگی بیش‌ازحد به نهادها ممکن است استقلال هیأت‌ها را تهدید کند». این تناقض، ضرورت تعادل بین سنت و مدرنیته را

تحلیل کلان داده‌های پژوهش، با استناد به نظریه سرمایه اجتماعی پاتنام، نقش پویای هیأت‌های مذهبی را در مدیریت امنیت اجتماعی به‌عنوان نهادهایی با گذار از کارکرد عبادی به سازمان‌های اجتماعی-امنیتی نشان می‌دهد. این نهادها در تعامل با عوامل علی (فردگرایی و نفوذ فرهنگی غرب)، راهبردهای نوین (هنرهای معاصر و همکاری با پلیس)، شرایط زمینه‌ای (هویت شیعی و تفاوت‌های جغرافیایی) و پیامدهای اجتماعی (کاهش نزاع‌ها و ارتقای سرمایه اجتماعی)، چرخه‌ای فعال برای نظم عمومی ایجاد می‌کنند:

- فشارهای فرهنگی و بازتعریف نقش هیأت‌ها: فردگرایی و سبک زندگی مدرن، ضرورت بازتعریف نقش هیأت‌ها را برجسته کرده است. یک مداح جوان گفت: «با موشن گرافیک و تئاتر خیابانی، جوانان را به ارزش‌های دینی جذب کردیم»؛ اما، یک روحانی سنتی اظهار داشت: «این نوآوری‌ها گاهی اصلت دینی را کم‌رنگ می‌کند». این تناقض نشان می‌دهد که تلفیق سنت و مدرنیته می‌تواند شبکه‌های اجتماعی را تقویت کرده و هماهنگی هنجاری را مطابق با نظریه پاتنام، ارتقا دهد.

امنیت پایدار ارائه می‌دهند که هم هویت اسلامی را حفظ کرده و هم انسجام اجتماعی را تقویت می‌کند.

برجسته می‌کند. هیأت‌ها با تلفیق شبکه‌سازی محلی، هنجارهای مشترک و اعتماد متقابل، الگویی بومی برای



شکل ۲- الگوی نقش هیات‌های مذهبی در تقاطع هویت اسلامی و امنیت عمومی

شهروند افزود: «سیاست‌های سخت‌گیرانه گاهی مشارکت را کاهش می‌دهد». این تناقض حاکی از آن است که حمایت دولتی، تنها با تقویت شبکه‌های اجتماعی مؤثر است. پیامدهای مثبت، مانند کاهش نزاع‌های محلی، سرمایه اجتماعی را تقویت می‌کنند. یک مدیر هیأت گفت: «همکاری با پلیس نزاع‌ها را کاهش داد»، اما یک جوان هشدار داد: «ابعاد سیاسی هیأت‌ها ممکن است جوانان را دور کند». این تناقض بر لزوم حفظ استقلال هیأت‌ها تأکید دارد.

الگوی پیشنهادی، هیأت‌ها را به عنوان «پلیس فرهنگی» معرفی می‌کند که با راهبردهایی مانند آموزش روحانیون، استفاده از هنرهای معاصر و سامانه‌های گزارش‌دهی دیجیتال، شبکه‌های محلی و اعتماد متقابل را تقویت می‌کنند. این رویکرد، با ایجاد حلقه‌های بازخوردی، چرخه فردگرایی را شکسته و الگویی بومی برای امنیت پایدار ارائه می‌دهد که هم هویت اسلامی را حفظ می‌کند و هم با تحولات فرهنگی سازگار است.

بر اساس این الگو، با استناد به نظریه سرمایه اجتماعی پاتنام، هیأت‌های مذهبی به عنوان سامانه‌ای پویا در تقاطع هویت اسلامی و امنیت عمومی معرفی می‌شوند که از طریق شبکه‌های اجتماعی (آیین‌های جمعی)، هنجارهای مشترک (گفتمان‌های مقاومتی) و اعتماد متقابل (تعامل با نهادهای امنیتی) عمل می‌کند. این الگوی غیرخطی، پدیده کانونی (نقش هیأت‌ها در پیوند هویت و امنیت) را تحت تأثیر شرایط علی (فردگرایی، نفوذ فرهنگی غرب و ناکارآمدی انتقال ارزش‌ها) و بسترهای زمینه‌ای (هویت شیعی و تفاوت‌های جغرافیایی) تبیین می‌کند. یک مداح جوان گفت: «باهرهای نوین، جوانان را به ارزش‌های دینی متصل کردیم»، اما، یک روحانی سنتی اظهار داشت: «نوآوری بیش‌ازحد ممکن است اصالت دینی را تضعیف کند». این تناقض نشان می‌دهد که هیأت‌ها برای حفظ هویت اسلامی و جذب نسل جوان باید بین سنت و مدرنیته تعادل برقرار کنند که با تأکید پاتنام بر هماهنگی هنجاری هم‌راستاست. عوامل مداخله‌گر (سیاست‌های دولتی، رسانه‌ها و مشارکت جوانان) نقش تعدیل‌کننده دارند. یک مسئول انتظامی گفت: «حمایت دولتی از کمپین‌های مشترک با هیأت‌ها، اعتماد عمومی را افزایش داده است»، اما یک

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش، با استناد به چارچوب نظری سرمایه اجتماعی پاتنام، نقش هیأت‌های مذهبی را به‌عنوان سامانه‌های پویای فرهنگی-امنیتی در تقویت انسجام اجتماعی و امنیت عمومی در بستر فرهنگی ایران تجزیه و تحلیل کرد. یافته‌ها نشان می‌دهند که هیأت‌ها از طریق شبکه‌های اجتماعی (آیین‌های جمعی مانند مراسم محرم)، هنجارهای مشترک (گفتمان‌های مقاومتی علیه فردگرایی و نفوذ فرهنگی غرب) و اعتماد متقابل (تعامل با نهادهای امنیتی و جذب جوانان) به‌عنوان «پلیس فرهنگی» عمل کرده و امنیت پایدار را تسهیل می‌کنند. این نقش با نظریه پاتنام (۲۰۰۰) همخوانی دارد که شبکه‌های اجتماعی، هنجارهای مشترک و اعتماد متقابل را ستون‌های سرمایه اجتماعی برای انسجام و امنیت می‌داند. شرایط علی مانند فردگرایی و نفوذ فرهنگی غرب، چالش‌هایی برای هنجارهای مشترک و مشارکت مدنی ایجاد کرده‌اند. یک جوان گفت: «گفتمان سنتی هیأت‌ها با ما همخوانی ندارد»، اما یک مداح جوان افزود: «باهرهای نوین، ارزش‌های دینی را برای جوانان جذاب کردیم». این تناقض، ضرورت بازتعریف گفتمان‌های دینی با زبان معاصر را مطابق با مفهوم «بولینگ به‌تنهایی» پاتنام (۱۴۰۱): (۲۴۰) برجسته می‌کند که کاهش تعاملات گروهی در جوامع مدرن را نشان می‌دهد. با این حال، هیأت‌ها در مناطق روستایی به دلیل شبکه‌های اجتماعی پایدار (خانوادگی و همسایگی) موفق‌تر عمل کرده‌اند. یک مدیر هیأت روستایی گفت: «شبکه‌های محلی ما انسجام را تقویت کرده‌اند»، در حالی که یک مدیر شهری اظهار داشت: «فردگرایی در شهرها ما را وادار به خلاقیت کرده است». این تناقض، اهمیت انطباق با شرایط جغرافیایی را نشان می‌دهد. البته، یافته‌ها دوگانگی بین سرمایه اجتماعی «باندی»^۱ (تقویت همبستگی درون‌گروهی و هویت اسلامی) و «پل زن»^۲ (تعامل با جوانان و نهادهای امنیتی) را نشان می‌دهند. یک مسئول انتظامی گفت: «همکاری با هیأت‌ها اعتماد به پلیس را افزایش داده است»، اما یک شهروند هشدار داد: «ابعاد

سیاسی هیأت‌ها ممکن است مشارکت جوانان را کاهش دهد». این تناقض، لزوم تعادل بین حفظ هویت دینی و انعطاف‌پذیری فرهنگی را مطابق با نظریه پاتنام، تأیید می‌کند.

الگوی پژوهش، هیأت‌ها را به‌عنوان نهادهای میانی معرفی می‌کند که با راهبردهایی مانند آموزش روحانیون، پوشش‌های مشترک با پلیس و استفاده از هنرهای نوین، چرخه‌های فردگرایی و ناامنی را می‌شکنند. یک مداح گفت: «موشن‌گرافیک جوانان را جذب کرده است»، اما یک روحانی سنتی افزود: «نوآوری بیش‌ازحد ممکن است اصالت را تضعیف کند». این تناقض نشان‌دهنده نیاز به تعادل بین سنت و مدرنیته است. الگوی پیشنهادی، با تقویت شبکه‌های محلی، تولید هنجارهای مقاومتی معاصر و بازسازی اعتماد از طریق تعاملات مستمر با نهادهای امنیتی، الگویی بومی برای امنیت پایدار ارائه می‌دهد.

در کل، این پژوهش نشان داد که هیأت‌های مذهبی، با بهره‌گیری از سرمایه اجتماعی (شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد)، می‌توانند به‌عنوان سامانه‌های فرهنگی-امنیتی، انسجام اجتماعی و امنیت عمومی را تقویت کنند و موفقیت آن‌ها به انطباق با تحولات فرهنگی، تقویت شبکه‌های محلی در شهرها و روستاها و تعادل بین هویت دینی و نوآوری وابسته است. این رویکرد، نه تنها بنیان‌های هویتی جامعه را در برابر تهدیدات فرهنگی حفظ می‌کند، بلکه با ارائه الگویی بومی مبتنی بر مشارکت مدنی، به مدیریت بحران‌های اجتماعی و تحقق امنیت پایدار کمک می‌کند. براساس نتایج این پژوهش، پیشنهادهای راهبردی زیر به منظور بهینه‌سازی نقش هیأت‌های مذهبی در تقویت انسجام اجتماعی و امنیت عمومی قابل طرح هستند:

- آموزش مهارت‌های ارتباطی به روحانیون: آموزش مهارت‌های ارتباطی و مدیریت بحران، تعامل با جوانان و هماهنگی هنجاری را تقویت کرده و اثربخشی هیأت‌ها را در حل تعارضات

- <https://www.gisoom.com/book/11821438>
۴. رهی، حجت‌الله، طالعی، سعید، و اسلامی، محمدامین. (۱۳۹۴). نقش‌آفرینی هیئت‌های مذهبی در معادلات اجتماعی. مقاله ارائه‌شده در همایش ملی بافت‌های فرسوده و تاریخی شهری: چالش‌ها و راهکارها، کاشان. <https://civilica.com/doc/422357>
۵. سرخوش، سعدالله. (۱۳۹۴). حضور افراد در هیئت‌های مذهبی و نشاط اجتماعی (مطالعه موردی شهر همدان در سال ۱۳۹۴). *مطالعات قدرت نرم*، ۵(۱۲)، ۹۹-۱۱۰.
- <https://doi.org/20.1001.1.23225580.1394.5.12.5.3>
۶. سلیمی، اکبر، پورمنافی، ابوالفضل، و فصیحی، بهمن. (۱۳۹۷). رویه‌های اثرگذار کارکرد نگهبان محله بر احساس امنیت شهروندان. *مطالعات فرهنگی پلیس*، ۵(۱)، ۹۹-۱۱۸.
- http://hamedan.jrl.police.ir/article_91462.html
۷. زیاری، کرامت‌الله، عیوضلو، داوود، عیوضلو، محمود، و ریکا، جهانبخش. (۱۳۹۲). تحلیل تطبیقی احساس امنیت در فضاهای شهری و روستایی؛ مطالعه موردی: شهرستان کوهدشت. *پژوهش‌های روستایی*، ۴(۱)، ۱۶۴-۱۳۷. <https://www.sid.ir/paper/393653/fa>
۸. غفاری هسجین، زاهد، مرشدی‌زاد، علی، و خدادادی، هانیه. (۱۳۹۱). نقش هیئت‌های مذهبی شهر تهران در فرآیند پیروزی انقلاب اسلامی. *نشریه دانش سیاسی*، ۸(۲)، ۶۳-۸۲.
- <https://doi.org/10.30497/pk.2013.1330>
۹. فلیک، اووه. (۱۳۹۹). *درآمدی بر تحقیق کیفی (هادی جلیلی، مترجم، چاپ یازدهم)*. تهران: نشر نی.
- <https://www.gisoom.com/book/11627728>
۱۰. قربانیان، نصرت، فتحی، سروش، و عزیزخانی، اقباله. (۱۴۰۱). نقش آگاهی‌بخشی پلیس از طریق رسانه‌های نوین در جلب مشارکت اجتماعی و تأمین امنیت شهروندان: مطالعه موردی شهر تبریز. *مطالعات فرهنگی پلیس*، ۹(۴)، ۲۱-۱۱.
- http://hamedan.jrl.police.ir/article_99816.html
۱۱. گلی، علی، قاسم‌زاده، بهنام، فتح‌بقالی، عاطفه، و رمضان‌مقدم و اجاری، یاسمن. (۱۳۹۴). عوامل مؤثر در

محلی افزایش می‌دهد.

- همکاری‌های مشترک با پلیس: همکاری‌های عملیاتی در مناطق پرآسیب، اعتماد متقابل و مشارکت مدنی را ارتقا داده و نزاع‌های محلی را کاهش می‌دهد.
- بهره‌گیری از هنرهای نوین: استفاده از ابزارهای دیجیتال و تئاتر خیابانی، با جذب جوانان و گسترش شبکه‌های اجتماعی، ارزش‌های دینی را با زبان معاصر منتقل می‌کند.
- سامانه‌های گزارش‌دهی دیجیتال: توسعه اپلیکیشن‌های محلی، مشارکت مدنی و کنترل اجتماعی غیررسمی را در فضای دیجیتال تقویت کرده و اطلاع‌رسانی سریع را تسهیل می‌کند.
- تدوین منشور اخلاقی مشترک: تعریف هنجارهای شفاف با نهادهای انتظامی، مشروعیت هیأت‌ها را افزایش داده و هماهنگی در تعاملات را بهبود می‌بخشد.
- تقویت حضور در فضای مجازی: ایجاد شبکه‌های اجتماعی دیجیتال، انطباق با تحولات فرهنگی را ممکن ساخته و سرمایه اجتماعی را در فضای مجازی گسترش می‌دهد.

منابع

۱. بابایی، عباس، باصری، احمد، ناظمی اردکانی، مهدی، و مرادی، حجت‌الله. (۱۳۹۶). تدوین راهبردهای تقویت کارکردهای هیئت‌های مذهبی با رویکرد ارتقاء قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران. *مطالعات راهبردی بسیج*، ۲۰(۷۵). <https://civilica.com/doc/1477984>
۲. پاتنام، رابرت. (۱۳۹۲). *دموکراسی و سنت‌های مدنی (محمدتقی دلفروز، مترجم)*. تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور. <https://www.gisoom.com/book/1193582>
۳. پاتنام، رابرت. (۱۴۰۱). *بولینگ به‌تنهایی: فروپاشی و بازسازی روابط همبسته در آمریکا (قربان عباسی، مترجم)*. تهران: نشر مساله.

احساس امنیت اجتماعی زنان در فضاهای عمومی شهری (مطالعه موردی: پارک ائل گلی تبریز). مطالعات راهبردی زنان، ۱۸(۶۹)، ۱۳۶-۹۷.

https://www.jwss.ir/article_15645.html

۱۲. مشعلچی، مرتضی، و مرشدی، ابوالفضل. (۱۴۰۰). بررسی نقش هیئت‌های مذهبی در تقویت جامعه مدنی (مطالعه موردی: بررسی دیدگاه فعالان هیئت‌های مذهبی شهر یزد). فصلنامه علوم اجتماعی، ۲۸(۹۴)، ۲۳۹-۲۰۹.

<https://doi.org/10.22054/qjss.2022.62910.2431>

۱۳. مظاهری، محسن. (۱۳۸۹). رسانه شیعه: جامعه‌شناسی آیین‌های سوگواری و هیئت‌های مذهبی در ایران. تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.

<https://www.gisoom.com/book/11088504>

14. Mays, N. & Pope, C. (2000) Assessing quality in qualitative research, British Medical Journal, 320:50-52. <https://doi.org/10.1136/bmj.320.7226.50>

15. Putnam, R. D. (2000) *Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community*. New York, N.Y.: Simon & Schuster.

<https://dl.acm.org/doi/10.1145/358916.361990>

16. Strauss, A. & Corbin J. (1998), *Basics of qualitative research: Grounded theory procedures and techniques*, 2nd ed. Thousand Oaks, CA: Sa.

<https://www.amazon.com/Basics-Qualitative-Research-Techniques-Procedures/dp/0803959400>

17. Whitham, M. M. (2007) *Living better together: The relationship between social capital and quality of life in small towns*, Thesis, Department of Sociology, Iowa State University.

<https://dr.lib.iastate.edu/entities/publication/407e6d3c-0264-4fc1-b97f-6409294fab88>

